

## واکاوی عوامل تاثیر گذار بر روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان (ابعاد و رویکردها) زهرا حسین پور<sup>۱</sup>

### چکیده:

روابط خارجی ایران و آذربایجان را می‌توان از زاویه نظریه‌های گوناگون مورد بررسی قرار داد. یکی از این نظریه‌ها، دیدگاه سازه‌انگاری است. انتظار می‌رفت که بعد از استقلال جمهوری آذربایجان سطح بالای همکاری‌ها را بین دو کشور داشته باشیم. با در نظر گرفتن مفاهیم سازه‌انگاری، سؤال اصلی نوشتار این است که از این دیدگاه، چه عواملی بیشتر بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان اثرگذار بوده است؟ از زمان فروپاشی شوروی و استقلال جمهوری آذربایجان، روابط تهران-باکو در سطح مطلوبی قرار داشته و با فراز و نشیب‌هایی در دو دهه اخیر همراه بوده است. عواملی مانند برخورداری از اشتراکات تاریخی و فرهنگی و وجود پتانسیل‌های موجود برای همکاری‌های اقتصادی به عنوان محرکی برای گسترش روابط دو طرف به حساب می‌آید. اما در عین حال این روابط با عوامل بازدارنده‌ای از قبیل: تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر، روابط با رژیم اسرائیل و... از جانب آذربایجان روبرو است. این پژوهش با اشاره‌ای کوتاه به پیشینه روابط ایران و جمهوری آذربایجان، فرصت‌ها و چالش‌های روابط بین دو کشور را مورد بحث و بررسی قرار می‌دهد.

**واژگان کلیدی:** جمهوری اسلامی ایران، جمهوری آذربایجان، قفقاز جنوبی، سیاست خارجی، روابط خارجی

---

<sup>۱</sup> - کارشناسی ارشد مدیریت اجرایی، دانشگاه تهران، تهران، ایران

## مقدمه و بیان مساله

ایران بعد از فروپاشی شوروی، برای پرکردن خلاء ایجاد شده در قفقاز جنوبی، پیگیری فرایند-های سازمان یافته در منطقه را شروع کرد. تصادفی نیست که تهران به دفعات تلاش کرد تا در قفقاز جنوبی برای حل و فصل مناقشات موجود میانجیگری کند. البته این تلاش ایران در نتیجه مقاومت دولت‌های بزرگ با شکست روبه‌رو شد. با این حال ایران حوادث رخ داده در جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان را با دقت زیر نظر دارد و به قفقاز جنوبی به عنوان منطقه‌ای نگاه می‌کند که در آن منافع ملی دارد. همچنین ایران به کریدور حمل‌ونقل که غرب و شرق را به هم متصل می‌کند نیز علاقه و حساسیت خاصی نشان می‌دهد. عواملی که توسعه روابط بین جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان را ضرورت می‌بخشد عبارت‌اند از: برتری آذربایجانی‌ها به جهت فزونی جمعیت در بین ملل قفقاز و نقش مهم این مسئله در روابط متقابل؛ بر-خورداری جمهوری آذربایجان از موقعیت ژئوپلیتیکی مناسب، عبور راه قفقاز از جمهوری آذربایجان؛ افزایش تأثیر اقتصادی و سیاسی جمهوری آذربایجان؛ برخورداری جمهوری آذربایجان از منابع غنی و نقش منابع اقتصادی در همگرایی و نزدیکی ملل و کشورها به یکدیگر. این دوره را می‌توان دوره ثبات در روابط جمهوری آذربایجان با گرایش غرب‌گرایانه دانست. با مرگ حیدر علی‌اف، الهام علی‌اف به عنوان رئیس‌جمهور انتخاب شد. الهام علی‌اف سیاست‌های گذشته را ادامه داد و با تزریق ارزهای به دست آمده از صادرات انرژی، سعی در توسعه کشور نمود. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان تحت تأثیر عوامل داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای دست خوش نوسان بوده است. در این پژوهش سعی نگارندگان بر تبیین نوسانات روابط و عوامل موثر بر آن است. جمهوری آذربایجان در شرق دریای خزر در همسایگی شمالی غربی ایران واقع گردیده است. قلمرو این جمهوری، قسمت جنوب شرقی کوه‌های قفقاز بزرگ، قسمت‌های بزرگی از کوه‌های قفقاز کوچک، جلگه کر، ارس و نیز قسمت‌هایی از کوه‌های تالش را در جنوب در بر می‌گیرد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹)

مساحت جمهوری آذربایجان ۸۶ هزار کیلومتر مربع است. این جمهوری با ۵ کشور مرز مشترک دارد. طول مرزهای این کشور ۲۴۸۹ کیلومتر می‌باشد. آذربایجان از شمال با روسیه (جمهوری خودمختار داغستان)، شمال شرقی با گرجستان، در غرب با ارمنستان، جنوب با جمهوری اسلامی ایران و از جنوب غربی (جمهوری نخجوان) با ترکیه هم مرز بوده و در شرق نیز به دریای خزر محدود می‌شود. (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۵۹-۵۸)

سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مورد آذربایجان، تابعی از سیاست کلی کشورمان

در مناطق آسیای مرکزی و قفقاز جنوبی می‌باشد. سیاست جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی، قفقاز جنوبی و حوزه دریای خزر، بر همکاری‌های همه جانبه، اعتماد سازی، صلح پایدار، بهره‌برداری عادلانه از منابع طبیعی و تبدیل این مناطق به مناطقی با ثبات استوار است. سؤال اصلی نوشتار این است که از این دیدگاه، چه عواملی بیشتر بر سردی روابط ایران و جمهوری آذربایجان اثرگذار بوده است؟ (تویسرکانی، ۱۳۸۸: ۲۷)

### پیشینه روابط ایران و آذربایجان

سرزمین آذربایجان از سالیان بسیار دور مسکونی بوده و پیوسته در قلمرو حکومت‌های ایرانی قرار داشته است تا اینکه در دوران سلطنت فتحعلی شاه قاجار و پس از شکست ایران از روسیه تزاری طبق معاهده صلح ترکمن چای (۱۸۲۸) از ایران جدا شد و تحت حاکمیت روسها درآمد. پس از جنگ جهانی اول و با حاکمیت حزب مساوات، جمهوری دموکراتیک آذربایجان تأسیس شد اما عمر این جمهوری دیری نپائید و با حمله ارتش سرخ در آوریل ۱۹۲۰ از بین رفت و تحت حاکمیت کمونیستها قرار گرفت. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۲۹-۲۸)

کمونیستها که اهداف توسعه طلبانه تزارها را به شکلی دیگر دنبال می‌کردند نام آذربایجان را که در دوره حکومت حزب مساوات انتخاب شده بود، حفظ کردند.

پس از فروپاشی شوروی این جمهوری در اوت ۱۹۹۱ اعلام استقلال نمود و از کشورهای مختلف خواستار شناسایی خود شد. ترکیه ۳ روز پس از اعلام استقلال جمهوری آذربایجان این کشور را به رسمیت شناخت و جمهوری اسلامی ایران با تأخیری ۵ ماهه به این اقدام مبادرت ورزید. روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان پس از استقلال این جمهوری از شوروی، دارای فراز و نشیب‌های فراوان بوده است. در این خصوص سه دوره قابل شناسایی است. با ریاست جمهوری ایاز مطلب اف و آغاز جنگ قره باغ، ایران سعی نمود تا با میانجیگری به حل بحران کمک کند در این دوران هنوز روابط گسترده‌ای بین دو کشور به وجود نیامده بود و باکو در اوایل استقلال مجال چندانی برای تعریف روابط خود با کشورهای منطقه نداشت که علت اصلی این امر بحران قره باغ بود. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

با روی کار آمدن ابوالفضل ایل چی بیگ، ملی‌گرای تندرو، روابط تهران-باکو به حال تعلیق درآمد. اما سرانجام با انتخاب حیدرعلی‌اف، سیاستمدار کهنه کار آذربایجانی و نیز با آتش بس اعلام شده در جنگ قره باغ، دوران شکوفایی روابط تهران-باکو آغاز شد. (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۳۱)

علی اف الگوی توسعه آذربایجان را مبتنی بر الگوی غربی تعریف نمود اما از توسعه روابط با کشورهای منطقه نیز استقبال کرد. جمهوری اسلامی ایران بین سالهای ۱۹۹۵-۱۹۹۲ در رأس

شرکای تجاری جمهوری آذربایجان قرار داشت. (روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹)

اما عامل دیگری که دو کشور را به سوی اختلاف منافع سوق داد، مسئله رژیم حقوقی دریای خزر بود. اوج رویارویی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان بر سر استفاده از منابع دریای خزر در سال ۲۰۰۱ رخ داد به گونه‌ای که در ژوئیه ۲۰۰۱، تهران، باکو را تهدید کرد که در صورت عدم عقب نشینی کشتی‌های کشف و استخراج نفت که یک شرکت انگلیسی مالک آنها بود، به زور متوسل خواهد شد، بی‌اعتنایی باکو تهران را مجبور به یک واکنش قاطع کرد. یک ناو جنگی ایران به منطقه البرز اعزام شد و کشتی‌های کشف نفت را از منطقه بیرون کرد. (دهقانی فیروز آبادی، ۱۳۸۹: ۲۱۳)

با به قدرت رسیدن الهام علی اف از حزب آذربایجان نوین، نوبت روند اتحاد با غرب سرعت بیشتری گرفت. با حذف مسیر ایران و احداث خط لوله باکو-تفلیس-جیحان، جمهوری آذربایجان به عنوان یک کشور تأمین کننده انرژی مورد توجه قرار گرفت و قفقاز جنوبی را به عرصه‌ای برای رقابت کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای قرار داد. (شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳)

### زمینه و هدف

جمهوری آذربایجان مهم‌ترین کشور منطقه قفقاز جنوبی است که علی‌رغم اشتراکات تاریخی، فرهنگی و مذهبی با ایران، مناسبات و روابط چندان مطلوبی با ایران ندارد. این مطالعه، به بررسی عوامل همگرایی و واگرایی بین این دو کشور پرداخته است.

### روش

این پژوهش از نظر شیوه اجرا، اسنادی است و برای گردآوری اطلاعات آن از کتاب‌ها، مقالات و متون منتشر شده در اینترنت استفاده شده است.

### یافته‌ها و نتایج

مطالعه نشان داد که اشتراکات تاریخی و فرهنگی، هم‌جواری و عوامل ژئوپلیتیک و برخورداری از دین و مذهب مشترک، عوامل همگرایی ایران و آذربایجان و مناقشه دریای خزر، بحران قره باغ، حضور قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای در آذربایجان و روابط نزدیک ایران با ارمنستان، تقویت پان ترکیسم و ادعای آذربایجان بزرگ، عوامل واگرایی روابط بین دو کشور ایران و آذربایجان را تشکیل داده‌اند.

### چارچوب نظری

مجموعه تلاش‌های فکری انجام گرفته در روابط بین‌الملل به نظریه‌های انجامیده است که بر اساس نسبت آنها با جهان (مسایل معرفت‌شناسی) به نظریه‌های تبیینی و تاسیسی قابل تقسیم

اند. نظریه‌های تبیینی در پی بیان چرایی رفتار دولتها بوده که بر این اساس روابط میان دولتها به عنوان امری خارجی نسبت به نظریه تلقی کرده و در مقابل این، نظریه‌های تاسیسی قرار می‌گیرند قائل به این امر می‌باشند که واقعیت‌ها و روابط میان ملت‌ها از طریق زبان، ایده‌ها و مفاهیم ایجاد شده شکل می‌گیرند. در اوایل دهه ۸۰ ما شاهد طرحی نو برای مطالعه واقعیت‌ها، پدیده‌ها و رفتارهای بین‌المللی هستیم که حد فاصل میان نظریات تبیینی و تاسیسی قرار می‌گیرد از این طرح نو تحت عنوان سازه‌انگاری یاد برده می‌شود.

سازه‌انگاری رویکردی است که پیش از طرح در روابط بین‌الملل در جامعه‌شناسی مطرح بوده است. از اواخر ۱۹۸۰ و اوایل ۱۹۹۰ سازه‌انگاری به یکی از تئوری‌های اصلی روابط بین‌الملل تبدیل شده است. این نگرش بر ساخت اجتماعی واقعیت تاکید می‌کند، که همه کنش‌های انسانی در فضایی اجتماعی شکل می‌گیرد و معنا پیدا می‌کند و این معنا سازی است که به واقعیات جهانی شکل می‌دهد. در تئوری سازه‌انگاری، هویت‌ها، هنجارها و فرهنگ نقش مهمی در سیاست‌های جهانی ایفا می‌کنند. هویت‌ها و منافع دولتها توسط هنجارها، تعاملات و فرهنگ‌ها ایجاد می‌شود و این "فرایند" است که موضوع تعامل دولتها را تعیین می‌نماید. (کرمی، ۱۳۸۳: ۴۰)

سازه‌انگاری به این امر می‌پردازد که چگونه هویت‌ها و هنجارهای اجتماعی مردم می‌توانند با روابط نهادینه میان آنها گسترش یابد و روابط میان دولتها بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. از آنجا که منافع از روابط اجتماعی حاصل می‌شود و روابط دولتها با هم بر اساس معنایی است که آنها برای یکدیگر قائلند. هویت یک امر رابطه‌ای است که به معنای درک از خود و انتظارات از دیگران است. عمل نسبت به دیگران بر اساس معنایی است که نسبت به آن کارگزار وجود دارد. همچنین اولویت‌های بین‌الملل کارگزاران بر اثر جامعه‌پذیری درون جامعه بین‌الملل حاصل می‌شود.

نگاه سازه‌انگاران به هنجارها و قواعد نیز مهم می‌باشد در زمینه تاکید بر هنجارها با نظریات لیبرال اشتراک دارند اما تفاوت محسوسی که با لیبرال‌ها دارند اینست که لیبرال‌ها بر جنبه تنظیمی هنجارها تاکید دارند در حالی که سازه‌انگاران علاوه بر جنبه تنظیمی بر جنبه تکوینی آنها نیز توجه می‌کنند و بر این اعتقادند که هنجارها در پی فرایندهایی مانند تعاملات بوجود می‌آیند. از میان اندیشمندان این تئوری کراتاکویل، انف و کاتزنستاین بیشتر بر اهمیت هنجارها تاکید کرده‌اند. طیف وسیعی از نظریات سازه‌انگاری از نوع متعارف آن تا رادیکال باعث شده است تا عملیاتی کردن این نظریه مشکلات خاص خود را داشته باشد. اما با این حال سه مورد کلی را اندیشمندان این رویکرد به عنوان گزاره‌های اصلی سازه‌انگاری پذیرفته‌اند.

این سه مورد شامل موارد زیر می‌باشد:

- ۱- ساختارهای هنجاری و فکری به اندازه ساختارهای مادی دارای اهمیت می‌باشند.
  - ۲- هویت‌ها و هنجارها در شکل‌گیری منافع و کنش‌ها نقش تعیین‌کننده دارند.
  - ۳- ساختار و کارگزار متقابلاً به هم شکل می‌دهند.
- علاوه بر آن اندیشمندان مختلف رهیافت سازه‌انگاری تقسیم‌بندی‌هایی از تئوری سازه‌انگاری و مفروضه‌های آن بیان نموده‌اند. و اینر مهمترین گزاره‌های رهیافت سازه‌انگاری را بدین صورت بیان می‌نماید:
- ۱- محیط جهانی تنها به عوامل مادی محدود نمی‌شود بلکه فاکتورهای فکری و هنجاری نیز اهمیت دارند.
  - ۲- خصوصیات دولت‌ها نتیجه تعاملات آنها می‌باشد و اینکه دولت‌ها دارای صفات ذاتی و از پیش تعیین شده نمی‌باشند.
  - ۳- منافع و هویت‌ها مفروض و از پیش داده نمی‌باشند بلکه نتیجه تعاملات اجتماعی، که در فرایندهای بین‌المللی در معرض تغییر می‌باشند.
- انواع تعامل عبارتند از: مذاکرات / چانه زنی - بحث و استدلال و ارتباط همگانی و عمومی با علامت‌ها و سخنرانی‌ها. (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵)

### سیاست خارجی جمهوری آذربایجان

جمهوری اسلامی ایران با داشتن مرزهای مشترک با ۱۵ کشور، با هدف تأمین امنیت و موقعیت راهبردی خود سیاست خارجی انعطاف‌پذیر و فعال دارد. لذا جمهوری اسلامی ایران تلاش می‌کند تا نسبت به کشورهای همسایه از سیاست دوستانه براساس اصول مبتنی بر حسن همجواری برخوردار باشد و با کشورهای منطقه و جهان نیز روابط دوجانبه خود را توسعه بخشد. در این زمینه نقش جمهوری آذربایجان حائز اهمیت است. تهران که در قفقاز جنوبی منافع گسترده‌ای دارد، به هنگام تعیین دورنمای سیاست خارجی مورد نظر خود، بر روابط با جمهوری آذربایجان به عنوان بزرگ‌ترین کشور قفقاز جنوبی اهمیت می‌دهد. تهران درک می‌کند که بدون همکاری و برقراری روابط مفید و متقابل با باکو نمی‌توان سیاست موفقیت‌آمیزی را در قفقاز جنوبی اعمال کرد. در عین حال، جمهوری آذربایجان با بهره جستن از موقعیت خود مطابق موازین بین‌المللی در تلاش برای صلح در منطقه فقط به صدور بیانیه‌ها اکتفا نمی‌کند و در حد لزوم دست به اقدامات عملی و سیاسی می‌زند و نسبت به همسایگان، به ویژه جمهوری اسلامی ایران، روابط متوازنی را دنبال کرده است. (کولایی، ۱۳۸۴: ۲۶-۲۷)

روابط جمهوری آذربایجان و ایران قدمت طولانی دارد. جمهوری آذربایجان معاصر از دوره جمهوری خلق آذربایجان (سال‌های ۱۹۱۸ تا ۱۹۲۰) با ایران روابط سیاسی برقرار کرد. اصول و ضرورت برقراری روابط دوستانه متقابل با کشورهای مستقل و همسایه، برقراری روابط عادی با همسایه جنوبی جمهوری آذربایجان یعنی ایران را ضرورت می‌بخشد. برای نخستین بار روابط دیپلماتیک بین جمهوری خلق آذربایجان با ایران در سال ۱۹۱۹ با اعزام هیئت فوق‌العاده به رهبری اسماعیل خان زیادخانلی به تهران پایه‌ریزی شد. در مذاکرات در تهران برخی توافقات حاصل و در ۴ ژوئن ۱۹۱۹ بین اسماعیل خان زیادخانلی و معتمد السلطنه، رئیس امور روسیه وزارت امور خارجه ایران قرارداد ۱۴ ماده‌ای به امضا رسید. در این قرارداد، درباره شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان، همچنین حل فوری مسائل تجاری بین دو کشور، مرزهای مشترک و به طور موقت حفظ حقوق شهروندان دو کشور مذاکره شد. اما تمامی این مذاکرات هم در ایران و هم در جمهوری خلق آذربایجان در نتیجه حوادث رخ داده و کودتاها بی‌نتیجه ماند. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۹/۵/۱۷)

در آستانه فروپاشی نظام شوروی، برخی جمهوری‌های شوروی تلاش می‌کردند تا با کشورهای خارجی روابط دوجانبه خود را گسترش دهند. لازم به یادآوری است که ایران حتی در دوره شوروی نیز در باکو کنسولگری داشت و جمهوری آذربایجان در اتحاد جماهیر شوروی نیز تا حدودی با ایران روابطی داشت. سقوط شوروی باعث شد روابط جمهوری آذربایجان و ایران گسترش یابد. جمهوری آذربایجان سندی را درباره استقلال کشور در ۱۸ اکتبر ۱۹۹۱ به تصویب رساند و به موجب آن استقلال خود را به جهانیان اعلام کرد. جمهوری اسلامی ایران نیز استقلال جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ به رسمیت شناخت و روابط دیپلماتیک بین دو کشور در ۱۲ مارس ۱۹۹۲ برقرار شد.

#### الف- اساس سیاست خارجی جمهوری آذربایجان

- دنبال کردن سیاست خارجی مستقل به منظور برپایی تمامیت ارضی و حاکمیت جمهوری آذربایجان
- تفوق بر مخاطرات اهداف امنیت، استقلال سیاسی، حاکمیت و تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان
- توسعه دموکراسی پلورالیستی بر اساس اقتصاد بازار آزاد و حاکمیت قانون
- رفع نتایج تجاوز نظامی ارمنستان
- توسعه روابط متقابل حسن همجواری و سودمند با دولتهای همسایه

- غیر نظامی کردن دریای خزر  
- ادغام در ساختارهای اروپایی و فرا آتلانتیکی شامل ناتو و اتحادیه اروپا  
- جمهوری آذربایجان عضویت ۳۲ سازمان منطقه‌ای و جهانی را داراست که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS) از سپتامبر ۱۹۹۳
- سازمان امنیت و همکاری اروپا (OSCE) از ژانویه ۱۹۹۲
- سازمان کنفرانس اسلامی (OIC) از سال ۱۹۹۲
- بانک جهانی از سال ۱۹۹۲
- سازمان همکاری‌های اقتصادی (ECO) از سال ۱۹۹۲
- شورای اروپا (Council of Europe) از مارس ۲۰۰۱ (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۳۱)

### روابط دیپلماتیک و جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری آذربایجان بر ایران

عملکرد سیاست خارجی کشورها در یک محیط منطقه‌ای و یا فرامنطقه‌ای، ضمن اینکه تحت تأثیر عوامل مختلفی به صورت عملیاتی در می‌آید، تأثیرات بزرگ و کوچکی را نیز با خود به همراه دارد. مناسبات دوستانه ایران و ارمنستان، هر چقدر هم که در سایه همجواری و همسایگی قابل توجیه باشد، برای جمهوری آذربایجان به عنوان یک تهدید تلقی خواهد شد و همینطور، روابط اسرائیل و آذربایجان تحت هر عنوانی، جمهوری اسلامی را به هراس خواهد افکند. در این میان، موضع کشورهای مختلف نسبت به بحران قره باغ، یکی از عوامل اصلی ارزیابی باکو نسبت به آن کشورها می‌باشد. (دانکوس، ۱۳۷۰: ۶۷)

روابط بین پارلمانی جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران در قالب دیدارها و مذاکرات بین رؤسای مجلس دو کشور و سفرهای هیئت‌های نمایندگان در سطوح مختلف منجر به توسعه و گرمی روابط دو کشور در بخش‌های مختلف، ایجاد اعتماد و تفاهم متقابل و نزدیکی منافع دو کشور شده است. تشکیل گروه‌های دوستی پارلمانی، انعقاد قراردادهای و تصویب آن و نیز تبادل افکار از آثار و نتایج روابط بین پارلمانی میان ایران و جمهوری آذربایجان به شمار می‌رود که به موازات گسترش روابط بخش‌های قانونگذاری دو کشور بر توسعه روابط در سایر بخش‌ها نیز تأثیر مثبت داشته است. نخستین اقدام در جهت توسعه روابط پارلمانی، سفر هیئت نمایندگان مجلس جمهوری آذربایجان به رهبری زیاد صمدزاده، معاون اول شورای عالی جمهوری آذربایجان، به ایران در دسامبر سال ۱۹۹۱ میلادی بود. هدف اصلی این سفر، شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان از سوی دولت ایران بود. هیئت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان با مهدی

کروبی، رئیس مجلس وقت ایران، در ۹ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی دیدار کرد و موفق شد موافقت ایران را کسب کند، برای شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان و نیز کسب حمایت ایران برای عضویت جمهوری آذربایجان در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی. هئیت نمایندگی پارلمانی جمهوری آذربایجان هنگام دیدار با مقامات ایرانی، موضع دوستی و صمیمی خود را ابراز کردند و برقراری روابط بین دو کشور را پیشنهاد کردند. در نتیجه این دیدارها و مذاکرات، دولت ایران، استقلال جمهوری آذربایجان را در ۲۵ دسامبر ۱۹۹۱ میلادی به رسمیت شناخت. (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۳۲۳)

در ادامه این روند، هئیت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان به دعوت ایران برای شرکت در پانزدهمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران در فوریه ۱۹۹۴ به تهران سفر کردند. سلطان محمداف، رئیس هئیت نمایندگان پارلمان جمهوری آذربایجان با حسن روحانی، معاون وقت رئیس مجلس ایران و دبیر شورای عالی امنیت این کشور دیدار و گفت‌وگو کرد. در این دیدار، حسن روحانی اظهار داشت که اگرچه ایران روابط عادی با ارمنستان دارد، اما مخالف تغییر مرزها است و تجاوز آنها را محکوم می‌کند. تهران طرفدار حل مسالمت‌آمیز مناقشه قره‌باغ کوهستانی بوده و همیشه بر این موضع خود تأکید خواهد کرد. بنابراین در روند تنظیم و توسعه روابط بین جمهوری آذربایجان و جمهوری اسلامی ایران و تسریع روابط دیپلماتیک بین دو کشور، مجلس ملی آذربایجان نقش مهمی بازی کرده است. مصوبه‌های مجلس ملی آذربایجان درباره روابط دوجانبه با ایران و اقدامات عملی آن به روشنی گویای این امر است. جمهوری آذربایجان حتی قبل از استقلال، درگیر مشکلات ارضی با جمهوری ارمنستان بوده است. حل بحران قره باغ و امنیت استخراج و انتقال انرژی از عوامل اصلی جهت‌گیری‌های سیاست خارجی جمهوری آذربایجان به شمار می‌روند. نوع نگرش سیاست خارجی جمهوری آذربایجان برخلاف نگرش جمهوری اسلامی ایران، انتقادی و اعتراضی نیست و این جمهوری قصد ندارد تا در این خصوص هزینه‌های سنگین درگیری با نظام‌های موجود بین‌المللی را بپردازد. (شیرازی، ۱۳۸۷: ۵۳)

در این خصوص یکی از عوامل چالش‌زای سیاست خارجی جمهوری آذربایجان برای ایران نزدیکی به اسرائیل می‌باشد.

باکو اهداف گوناگونی را از توسعه مناسبات خود با تل آویو جستجو می‌کند که برخی از مهمترین آنها عبارتند از:

- نزدیکی به اسرائیل امکان تأثیر بر سیاست‌های منطقه‌ای ایالات متحده را به نفع باکو افزایش

می‌دهد.

- این اقدام موازنه ساز در برابر مناسبات بسیار دوستانه تهران ایروان به شمار می‌رود.  
 - مناسبات دوستانه با رژیم صهیونیستی، امکان استفاده باکو از تکنولوژی پیشرفته نظامی و همچنین تکنولوژی مدرن کشاورزی اسرائیل را افزایش می‌دهد.  
 - بحران قره‌باغ با وجود اینکه بیش از دو دهه از عمر آن می‌گذرد به عنوان بزرگترین بحران منطقه قفقاز جنوبی شناخته می‌شود. (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۰)

نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کمک بسیاری به هر چه پیچیده‌تر شدن این بحران نموده است. ترکیه با طرفداری یک جانبه از جمهوری آذربایجان و بستن مرزهای خود با جمهوری ارمنستان، به خوبی نشان داد که نمی‌تواند کشور مناسب و بی‌طرفی در میانجیگری شناخته شود. جمهوری اسلامی ایران نیز با وجود تلاشهای بسیار در مراحل اولیه بحران، نتوانست اقدامات چشمگیری در قبال حل بحران داشته باشد. همچنین ایالات متحده آمریکا که بسیار علاقمند است امنیت خطوط انرژی این منطقه اطمینان بخش باشد، با وجود لابی قدرتمند ارمنی در این کشور و با وجود دادن طرح‌های بسیار برای حل بحران، موفق به این مهم نشده است. به نظر می‌رسد تنها راه حل این بحران در اختیار مسکو قرار دارد. موضع گیری روسیه در برابر بحران قره‌باغ حاکی از طرفداری آن از مواضع ارمنستان می‌باشد. ارمنستان برای روسیه تبدیل به یک عنصر مهم و استراتژیک در قفقاز جنوبی شده است. به نظر می‌رسد مدل ایده آل برای مسکو، روابط متعادل با سه جمهوری قفقاز جنوبی است، امری که از مدت‌ها پیش به طور دائم هدف سیاست روسیه در منطقه بوده است. با وجود این، شرایط کلی نشان دهنده از آن است که روسیه فاقد هرگونه بنیان محکم و استوار برای برقراری روابط پایدار با جمهوری‌های آذربایجان و گرجستان غرب گرا می‌باشد. (همان، ۱۳۸۸: ۴۰)

در سال ۱۳۸۴ (۲۰۰۵) و همزمان با اوج گیری مجدد مذاکرات صلح قره باغ مسئله حضور ایران در گروه مینسک به عنوان ناظر از سوی فیلیپ دسورمن رئیس فرانسوی وقت گروه مینسک مطرح شد اما با مخالفت استیون مان رئیس آمریکایی گروه مینسک مواجه شد. در هر حال در این دوره اسناد همکاری بین ایران و آذربایجان در زمینه های مختلف از جمله حمل و نقل به ویژه طرح اتصال خطوط آهن ایران- آذربایجان- روسیه، انرژی، برق، سد سازی، امور گمرکی و... نشان داد که تا چه حد دیدگاه مثبتی با آذربایجان داشته و از ایده حل عادلانه و مسالمت آمیز مناقشه حمایت می‌کند اگرچه رسانه‌های غرب گرای جمهوری آذربایجان در این مقطع مدعی حمایت ایران از ارمنستان بودند. (موسوی، ۱۳۹۱: ۲۵)

در واقع علاوه بر منابع انرژی که نقش قاطعی در تعیین معادلات امنیتی منطقه ایفا می‌کنند،

مقامات آذربایجانی توسعه روابط با غرب را در راستای ترمیم آسیب پذیری نظامی خود نیز قلمداد می‌کنند. (موسوی و مولودی، ۱۳۹۱: ۲۸)

مقامات آذری پی برده‌اند که حذف روسیه و پیوستن کامل به غرب امکانپذیر نمی‌باشد، بنابراین نتیجه مذاکرات مسکو و باکو در ۲۵ ژانویه ۲۰۰۲ مقرر کرد که روسیه کل سیستم اخطار موشکی و سیستم دفاع هوایی دسته جمعی کشورهای مستقل مشترک المنافع را که در مورد جمهوری آذربایجان، ایستگاه رادار قبله بود را، حفظ نماید. (روزنامه همشهری، ۱۳۸۹/۵/۱۷)

ادعای ارضی ارمنستان نسبت به قره‌باغ، مسئله‌ای است که طی دهه‌های طولانی دوران شوروی مطرح بود اما تحت سیطره مسکو پنهان نگاه داشته شده بود.

قره‌باغ کوهستانی، که از حاصل خیزترین و نیز از استراتژیک‌ترین نقاط قفقاز جنوبی می‌باشد، همواره موضوع کشمکش میان آذری‌ها و ارمنه بوده است. (دانکوس، ۱۳۷۰: ۶۷) این بلندیها دارای اهمیت فراوان نظامی است. با استقرار نیروهای نظامی در این بلندیها، می‌توان راههای ارتباطی جمهوری آذربایجان در دشتهای پیرامون از جمله راه ارتباطی شمالی- جنوبی آق‌دام به گنجه را در تیررس توپخانه با دید عالی، قرار داد. موردی که ارمنستان با در اختیار داشتن این بلندیها از آن بهره‌مند شده است. (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۳۲۳)

همانطور که مشاهده می‌شود، موضوع قره‌باغ و پس گرفتن آن برای جمهوری آذربایجان یک اختلاف ارضی ساده و یا مسئله‌ای برای ارضای غرور ملی نیست، بلکه یک مسئله مهم امنیتی به شمار می‌رود. با اینکه در اوایل درگیری میان آذربایجان و ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران از فضای گسترده‌ای برای اقدامات میانجیگرانه برخوردار بود، اما با روی کار آمدن ابوالفضل ایلچی بیگ و گرایش شدید به غرب و ترکیه و در نتیجه آن، حمایت از مواضع ارمنستان از طرف مسکو و نزدیکی تهران به گرایش اخیر و نیز تشکیل گروه مینسک از طرف شوروی امنیت و همکاری اروپا، جمهوری اسلامی را توان اثرگذاری بر بحران و طرفین آن به خصوص آذربایجان را از دست داد. (موسوی و توتی، ۱۳۹۱: ۷۲)

### نقش ایران ایران در مناقشه قره‌باغ

بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در دسامبر ۱۹۹۱ میلادی، جمهوری‌های قفقاز جنوبی خط‌مشی سیاست خارجی مستقل خود را مشخص کردند. از این مقطع بود که سیاست خارجی ایران در منطقه در راستای منافع راهبردی مورد نظر خود فعال شد. با وجود این، روسیه نیز خود را وارث ویژه شوروی اعلام کرد و بر منافع ملی خود در قفقاز جنوبی تأکید کرد. روسیه تلاش کرد با ایجاد و تحمیل مناقشات مصنوعی بر کشورهای منطقه و استفاده از آن به عنوان عامل

فشار علیه کشورهای منطقه، نفوذ خود را در قفقاز جنوبی گسترش دهد. مسکو جهت افزایش نفوذ خود بر جمهوری آذربایجان مناقشه قره‌باغ کوهستانی را ایجاد کرد و آن را تشدید کرد. در جنگ ارمنستان علیه جمهوری آذربایجان، ارتش روسیه نیز شرکت داشته است. (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۱۸-۲۱۹) رهبری ایران فرایندهای سیاسی و نظامی موجود در قفقاز جنوبی را با دقت پیگیری می‌کرد. با میانجیگری هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت ایران، مذاکرات صلح بین یعقوب محمداصفی، کفیل ریاست جمهوری آذربایجان و لئون ترپتروسیان، رئیس‌جمهور وقت ارمنستان در ۷ می ۱۹۹۲ میلادی در تهران آغاز شد. متأسفانه این میانجیگری با شکست روبه‌رو شد. به طوری که هنگام تداوم این مذاکرات، ارمنستان دو شهر شوشا و لاپچین را به ترتیب در روزهای نهم و نوزدهم ماه می ۱۹۹۲ میلادی به تصرف درآورد.

جمهوری اسلامی ایران به دفعات، حمله ارمنستان به اراضی جمهوری آذربایجان را محکوم کرد و همیشه بر رفع دشمنی طرفین علیه یکدیگر تأکید کرده است. در عین حال، ایران به آوارگان جنگی که در نتیجه حملات آرامنه از سرزمین خود آواره شده بودند، کمک‌های انسان دوستانه ارائه داد و هنگام اشغال مناطق قبادلی و زنگلان از سوی نیروهای مسلح ارمنستان، بسیاری از ساکنان آذربایجانی را از مرگ نجات داد. ایران در ارائه خدمات و فرستادن کالاهای ضروری به جمهوری خودمختار نخجوان که در نتیجه سیاست ارمنستان در محاصره اقتصادی قرار گرفته بودند و نیز در کاهش فشار بر آذربایجانی‌های این منطقه نیز نقش مهمی را ایفا کرد. (کولایی، ۱۳۸۹: ۷۷)

ایران در روزهای سخت از موضع بر حق جمهوری آذربایجان حمایت به عمل آورده و اقدامات عملی زیادی را انجام داده است: حمایت از جمهوری آذربایجان در سازمان‌های بین‌المللی، شناختن ارمنستان به عنوان کشور تجاوزگر و درخواست خروج نیروهای ارمنستان از قره‌باغ؛ پیشنهاد میانجیگری در قره‌باغ کوهستانی؛ اعطای وام؛ تأمین برق و مایحتاج مردم نخجوان در زمان جنگ؛ کمک برای رهایی مردم مناطق اشغالی در زمان جنگ و سال‌ها حمایت از ۱۰۰ هزار آواره جنگی و تأمین مایحتاج آنها. جمهوری اسلامی ایران بنا به دلایل متعددی توان تأثیرگذاری در مسائل قفقاز جنوبی را از دست داده است، هر چند بیش از حد خوشبینانه به نظر خواهد رسید که اصولاً چنین توانی را در طول استقلال این کشورها تا به امروز فرض کرد اما تهران در یک دوره کوتاه به عنوان یک بازیگر تأثیرگذار در این منطقه شناخته شده بود. (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۱۹۰)

به دلیل عوامل متعددی که منشأ داخلی، منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داشته‌اند، به مرور از نقش

جمهوری اسلامی ایران در منطقه قفقاز جنوبی کاسته شده است. از عوامل موثر داخلی در کاهش این نقش که قابل تعمیم به کاهش تحرک کلی سیاست خارجی کشور است، مواضع انتقادی و تجدید نظر طلبانه دولت هشتم و همچنین نهم و نیز بسیج تمام ابزارهای سیاست خارجی به منظور پیشبرد برنامه پرهزینه صلح آمیز هسته‌ای است.

عامل دیگر به تنوع قومی در ایران باز می‌گردد که به نوعی آرامنه و آذری‌ها را به دلیل بحران قره‌باغ رو در رو کرده است. از عوامل منطقه‌ای موثر می‌توان به اختلاف بر سر رژیم حقوقی دریای خزر، بحران قره‌باغ و نیز تمایل به اجرای یک الگوی توسعه غرب گرا از سوی جمهوری آذربایجان و جمهوری گرجستان نام برد. (Azerbaijan, 2008:7) همچنین به دلیل حمایت از مواضع روسیه در قبال بحران اوستیا و نیز عدم علاقه مسکو به دخالت کشورهای گوناگون در مسائل حوزه کشورهای مستقل مشترک المنافع، در واقع تحرک چندان از سوی ایران در قبال این بحران انتظار نمی‌رفت. از عوامل فرامنطقه‌ای موثر در کاهش نفوذ و تأثیر ایران در قفقاز جنوبی می‌توان به حضور قدرتهای فرامنطقه‌ای و فعالیت آنها در قفقاز جنوبی اشاره کرد. ایالات متحده آمریکا با تحت فشار قرار دادن و یا امتیازدهی موفق به حذف جمهوری اسلامی در این منطقه شده است. (لاندو، ۱۳۸۲: ۱۵-۱۴)

«مسائلی نظیر اخراج از کنسرسیوم نفتی باکو و پروژه قرن (۱۹۹۵)، اعلام حوزه دریای خزر به عنوان منطقه «منافع حیاتی» از سوی آمریکا (۱۹۹۷) و توافق بر سر خطوط انتقال انرژی باکو-تفلیس-جیحان (۱۹۹۹)، جمهوری اسلامی ایران را با محدودیت‌های رسمی در سطح منطقه مواجه کرد و آمریکا در اجرای سیاست همه چیز منهای ایران موفق گردید». (کرمی، ۱۳۸۸: ۵۰)

### همکاری و روابط اقتصادی ایران و آذربایجان

روابط اقتصادی در همکاری جمهوری آذربایجان و ایران از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است. وجود خطوط ارتباطاتی مناسب از عواملی است که می‌تواند محرک توسعه روابط اقتصادی فنی و تجاری بین دو کشور باشد. ایران متناسب با موقعیت جغرافیایی خود با بهره‌گیری از تمام امکانات حمل‌ونقل، روابط اقتصادی با جمهوری آذربایجان دارد. در حال حاضر جمهوری آذربایجان با ایران از راه حمل‌ونقل دریایی مانند باکو-انزلی و باکو-نوشهر، خطوط ریلی، مانند راه‌آهن نخجوان-جلفا-تبریز-تهران و خط‌آهن باکو-تبریز-تهران، راه زمینی باکو-آستارا-ایران، روابط اقتصادی خود را با ایران توسعه بخشیده است. برای احیای جاده ابریشم و فعالیت بزرگراه اروپا-قفقاز - آسیا نیز لازم هست تا هر دو کشور وضعیت راه‌آهن و راه‌های زمینی خود را به سطح استانداردهای بین‌المللی برسانند. با انجام تدابیر یاد شده، این مسیرهای ارتباطی برای مدت زمان

طولانی قادر به ترانزیت کالاها خواهند بود. همچنین، بین ایران و جمهوری آذربایجان، دورنمای نقش جمهوری آذربایجان به عنوان پل ارتباطی بین قاره‌ها به لحاظ موقعیت جهانی این کشور بسیار ضروری و مهم است. (استپانیان، ۱۳۸۱: ۱۲۷)

خطوط هوایی باکو-تهران- تبریز نیز فعال است. افتتاح خطوط پرواز باکو به مشهد و تبریز نیز بر رفت و آمد مردم دو کشور تأثیر مثبتی دارد. جمهوری آذربایجان برای پل مرزی بین آستارا اهمیت ویژه‌ای قائل است. دولت ایران با اعطای وام دارای تخفیف به مبلغ ۱۲۰ میلیون دلار، مسئولیت بازسازی بخش سالیان آستارا و جاده باکو - آستارا را برعهده گرفت. برای احداث راه‌آهن آستارا- قزوین نیز دولت آذربایجان با ایران مذاکراتی را صورت داده است. در نتیجه این تحولات، جمهوری خودمختار نخجوان با ایران و ترکیه از طریق خط‌آهن ارتباط متصل خواهد شد. (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۳۹)

جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۰۵ میلادی به کریدور حمل‌ونقل شمال - جنوب پیوست. کریدور حمل‌ونقل شمال- جنوب با هدف برقراری ارتباط بین کشورهای اروپایی، روسیه، آسیای مرکزی و منطقه قفقاز با خلیج فارس و هندوستان و نیز برای تسریع روابط تجاری حوزه خزر با بنادر دریای سیاه ایجاد شده است. این کریدور زمینه حمل‌ونقل ریلی در اروپا-آسیای جنوبی- خاورمیانه را فراهم می‌سازد که این امر موجب کسب درآمد کشورهای واقع در این مناطق از حمل‌ونقل داخلی و ترانزیت می‌شود. در همین راستا، خط راه‌آهنی که با گذر از بولاشاک قزاقستان به ترکمنستان و از طریق اترک- گرگان (آکایلا) به راه‌آهن ایران متصل می‌شود، در دسامبر ۲۰۱۴ میلادی مورد بهره‌برداری قرار گرفت. همچنین، مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل شمال- جنوب آستاراخان- مخاچ قلعه (روسیه)- سامور- آستارا (آذربایجان)- آستارا- رشت- قزوین (ایران) نیز از لحاظ اهداف راهبردی و مقاصد آن یکی از مناسب‌ترین گزینه‌های ترانزیتی است. این مسیر غربی حمل‌ونقل ریلی نسبت به مسیر شرقی مزیت‌های بسیاری دارد، اما با وجود هزینه به‌مراتب کم‌تر بیش از یازده سال است که در حال احداث است و به پایان نرسیده است. در حالی که با عملیاتی شدن مسیر غربی کریدور حمل‌ونقل، ترانزیت بار از جنوب شرقی آسیا به اروپا ۱۰ تا ۱۵ درصد ارزان‌تر خواهد شد. حمل بارها از طریق کانال سوئز نیز موجب کاهش ۸۰۰ کیلومتری مسافت ترانزیت می‌شود. در عین حال مدت حمل بارها نیز ۲۰ روز کاهش خواهد یافت و بارها از راه مطمئن‌تری به مقصد خواهد رسید. براساس محاسبات انجام پذیرفته برای حمل ۱۵ تن بار موجب صرفه‌جویی به میزان ۲۵۰۰ دلار خواهد شد. با پیوستن فنلاند به کریدور شمال - جنوب، ظرفیت آن باز هم افزایش خواهد یافت. (Chorbajian, 1994:56)

ضرورت تحقق مسیر غربی کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال - جنوب که از جمهوری آذربایجان می‌گذرد، در سفر حسن روحانی، رئیس‌جمهور ایران، به باکو در سال ۲۰۱۶ میلادی مطرح شد. رئیس‌جمهور، الهام علی‌اف و حسن روحانی دو سال قبل از آن نیز در ۱۲ نوامبر ۲۰۱۴ میلادی در باکو در این زمینه بیانیه مشترکی صادر کردند. سران دو کشور تأکید کردند که ایجاد کریدور حمل و نقل شمال جنوب تأمین‌کننده منافع هر دو طرف و برای کل منطقه مهم است. همچنین ارتباط ایران با دریای سیاه، اروپا و روسیه را میسر می‌کند. صدور این بیانات در باکو حاوی پیام مهمی بود و نخستین ثمره کوشش جمهوری آذربایجان برای ایجاد کریدور حمل و نقل بین‌المللی شمال-جنوب محسوب می‌شد. موانع موجود در توسعه روابط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان وجود دارد که عبارت است از:

### الف- عوامل منطقه‌ای

- بحران قره‌باغ و متهم کردن جمهوری اسلامی ایران به حمایت از ارمنستان از سوی آذربایجان  
- اندیشه پان ترکیسم و طرح یک آذربایجان بزرگ از سوی برخی محافل آذری

- رژیم حقوقی دریای خزر

ب- عوامل فرامنطقه‌ای

- استقبال باکو از عضو و نفوذ ایالات متحده و اسرائیل در منطقه به عنوان عاملی موازنه ساز

در برابر محور مسکو، تهران، ایروان

- احساس خطر جمهوری اسلامی ایران از گسترش نفوذ ایالات متحده و اسرائیل در منطقه

قفقاز جنوبی

- استقبال باکو از گسترش ناتو به شرق

در کنار موانع ذکر شده، سیاست باکو در برابر پرونده هسته‌ای ایران که پیوسته بر حل

مسالمت آمیز آن تأکید می‌کند و نیز عدم اجازه استفاده از خاک آذربایجان به عنوان پایگاهی

برای حمله به ایران، به عنوان عوامل مثبت روابط دو کشور تلقی می‌گردد. این مواضع پیوسته در

سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های الهام علی‌اف مطرح شده است. (کتاب سبز، ۱۳۸۷: ۲۴۵)

### همکاری و اهداف امنیتی دو کشور در سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

روابط اقتصادی بین ایران و جمهوری آذربایجان در چارچوب سازمان همکاری اقتصادی (اگو)

نیز شکل گرفته است. در اجلاس سازمان اگو در تهران در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲ میلادی، جمهوری

آذربایجان به عضویت این سازمان پذیرفته شد. در اجلاس شورای وزیران امور خارجه اگو در

تهران در ژانویه ۱۹۹۴ میلادی نیز حسن حسن‌اف، وزیر امور خارجه وقت جمهوری آذربایجان،

از اعضای آکو درخواست کرد تا جهت حمایت از موضع بر حق جمهوری آذربایجان، تحریم‌های سیاسی و اقتصادی علیه ارمنستان اعمال شود. در اجلاس سازمان همکاری اسلامی در تهران که در دسامبر ۱۹۹۷ میلادی برگزار شد نیز بیانیه‌هایی مبنی بر محکومیت ارمنستان و حمایت از موضع جمهوری آذربایجان صادر شد که موفقیت سیاسی و دیپلماتیک مهمی برای جمهوری آذربایجان به شمار می‌رفت.

- حفظ وضع موجود از طریق احترام به حاکمیت ملی، استقلال، تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت

- جلوگیری از نفوذ قدرتهای بزرگ و بازیگران فرامنطقه‌ای در قفقاز جنوبی

- تأکید بر حل بحران‌های منطقه بر اساس ترتیبات یک نظام منطقه‌ای

- تأمین و تضمین امنیت انرژی (کرمی، ۱۳۸۸: ۲۱۹-۲۱۸)

جمهوری آذربایجان بزرگترین اقتصاد را در میان کشورهای قفقاز جنوبی داراست و این در حالی است که از تمام ظرفیت‌ها برای افزایش روابط با این جمهوری از سوی ایران استفاده نشده است. قرار گرفتن جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان در کنار دریای کاسپین و عضویت هر دو کشور در سازمان همکاریهای اقتصادی (آکو) و تأکید بر همکاریهای منطقه‌ای به ویژه در زمینه‌های انرژی، تجارت، حمل و نقل و ارتباطات، ظرفیت مناسبی برای تقویت همکاریهای منطقه‌ای ایجاد کرده است. (کولایی، ۱۳۸۹: ۷۷)

با توجه به اینکه جمهوری آذربایجان کشوری محصور در خشکی است، ایران می‌تواند به عنوان پلی برای ارتباط این کشور با جهان خارج باشد. در واقع عنصر همسایگی باعث اهمیت یافتن هر یک از این دو کشور برای دیگری است و موقعیت جغرافیایی ایران به خاطر قرار گرفتن بین دو حوزه خزر و خلیج فارس که هر دو حوزه از قطب‌های انرژی دنیا محسوب می‌شوند اهمیت ایران را از منظر جغرافیایی افزایش می‌دهد. آشکار است با وجود همه تلاش‌هایی که غرب و در رأس آن ایالات متحده آمریکا و نیز رقبای منطقه‌ای ایران جهت منزوی ساختن و حذف ایران از معادلات منطقه انجام داده و می‌دهند، باز هم مسیر ایران به سوی دنیای آزاد برای جمهوری آذربایجان، بهترین و با صرفه‌ترین مسیر می‌باشد. (روزنامه اطلاعات، ۱۳/۱۰/۱۳۸۲)

### زمینه‌های روابط فرهنگی، علمی و کمک‌های انسان‌دوستانه

با وجود نزدیکی قرابت فرهنگی بسیار زیاد، روابط دو کشور در این زمینه چشمگیر نبوده است که می‌توان علت آن را در چند عامل برشمرد.

- تبلیغات شدید مبتنی بر اندیشه پان ترکسیم که لزوم اتحاد ترک زبانان را مطرح می‌کند.

همراه با ساختن تصویری خیالی از جمهوری اسلامی که با برتر انگاشتن فارسها، حقوق ترکهها را پایمال کرده است.

- تکرار ایران شمالی (آذربایجان) و آذربایجان جنوبی (مناطق شمال غربی ایران) از سوی مقامات کم اهمیت سیاسی و برخی از روشنفکران دو کشور که این امر به ایجاد فضای بی-اعتمادی کمک بسیار زیادی نموده است.

- دو شکل متفاوت و حتی متضاد در ساخت سیاسی که یکی مبتنی بر هویت سکولار و دیگری شیفته هویت اسلامی است. با وجود شیعه بودن مردم آذربایجان فرهنگ و آداب و رسوم غربی به شدت در حال افزایش است.

در برخی از کتابهای درسی جمهوری آذربایجان، نگاه ضد ایرانی مشهود است. بهرام امیر احمدیان با مشاهده کتاب تاریخ مقطع پنجم دبستان در آذربایجان که نقشه آذربایجان بزرگ قسمت‌هایی از ایران را نیز در برمی‌گیرد، از این اقدام به عنوان یکی از عوامل موثر در ایجاد بدبینی بین دو کشور نام می‌برد. (امیراحمدیان، ۱۳۶۷: ۱۹۰) هر چند پس از استقلال آذربایجان، با توجه به شیعه بودن مردم این کشور، گمان بسیاری بر سلطه فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در این کشور می‌رفت و هر چند همواره ایران منبع رهنمودهای دینی در این کشور به شمار می‌رفت در رقابت با فرهنگ غربی، فرهنگ شیعی- ایرانی تأثیر و نفوذ چندانی به دست نیاورده است. (Azerbaijan, 2008:7)

یکی از عواملی که به توسعه روابط دو کشور کمک کرده است، برقراری و توسعه روابط علمی و فرهنگی بوده است. کنسرت‌های برگزار شده از سوی هنرمندان جمهوری آذربایجان در شهرهای مختلف ایران از سوی مردم با استقبال گرمی مواجه شده است. از دانشمندان و ادیبان کشورمان در مراسم‌ها و کنفرانس‌های برگزار شده در تبریز، تهران و دیگر شهرها استقبال می‌شود. تحلیل روابط فرهنگی با ایران نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان هنگام اعمال سیاست خارجی خود باید ارزش‌های تاریخی، ملی و معنوی مشترک میان دو کشور را مد نظر داشته باشد. چرا که توسعه روابط با ایران در این زمینه تماماً به نفع کشورمان است و این مسئله برای اهداف راهبردی جمهوری آذربایجان در منطقه نیز مهم است.

### دلایل واگرایی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان

۱- مسئله پان ترکیسم در جمهوری آذربایجان: این عامل یعنی وجود گرایش‌های ملت باورانه در جمهوری آذربایجان عاملی بازدارنده و منفی بر سر راه همگرایی و روابط دو کشور بوده و به گونه‌ای عمل کرده است که روابط ایران و جمهوری آذربایجان با آن سابقه مشترک تاریخی،

سرزمینی، فرهنگی و مذهبی تحت تأثیر این مسأله دوستانه نبوده است. نمونه عینی و افراطی این مورد را می‌توان در زمان ریاست جمهوری «ابوالفضل ایلچی بیگ» به خوبی مشاهده کرد. وی پس از روی کار آمدن به شکل رسمی تمامیت ارضی ایران را مورد تهدید قرار داد؛ بدین ترتیب که در تلویزیون رسمی جمهوری آذربایجان بیان داشت که «هرشب خواب تبریز را می‌بینم»، «آرزو دارم حتی با زانو هم شده روزی به تبریز بروم». «پس از استقلال آذربایجان به دنبال اتحاد با آذربایجان ایران هستیم». و حتی نقطه اوج تمایل‌های شدید ترکی ایلچی بیگ تا جایی پیش رفت که از «اتحاد مجدد آذربایجان شمالی» و «جنوبی» سخن راند که مقصود از آذربایجان جنوبی تمامی استان‌های آذری نشین شمال غربی ایران بود. با رفتن ایلچی بیگ هرچند از شعارهای ملی گرایانه توسط «حیدر علی اف» و پسرش «الهام علی اف» کاسته شد؛ اما اصل جریان همچنان به قوت خود باقی است. (Ostan-ag.gov.ir/show-news.asp?)

۲- تأکید ایران بر اسلام و دین در روابط با کشورهای همسایه به خصوص جمهوری آذربایجان: این مورد پس از وقوع انقلاب اسلامی در ایران، به یک منبع نگرانی برای برخی کشور-های منطقه تبدیل شد. این امر به ویژه در مورد کشورهایی که دارای جمعیت بزرگی از مسلمانان به ویژه شیعیان بودند، مصداق داشت. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، جمهوری آذربایجان به عنوان کشوری با اکثریت شیعه، بسیار نگران بود. رهبران ایران در روابطشان با جمهوری آذربایجان به صورت آشکاری بر اسلام تأکید دارند. توضیح اینکه بعد از استقلال جمهوری آذربایجان بسیار ادعا می‌شد که ایران تلاش کرده است تا انقلاب اسلامی خود را به این کشور صادر کند. از این دید ایران برای تبلیغات دینی در این کشور، از روحانی‌هایی که در ایران آموزش دیده‌اند بهره می‌گیرد، در مقابل جمهوری آذربایجان که خود را یک نظام غیر دینی می‌داند تبلیغات و فعالیت‌های ایران بر روی شیعیان آذربایجان را تهدیدی برای حاکمیت خود به حساب می‌آورد و هرچند وقت یکبار ناراضیتی خود را نشان می‌دهد. (لیکر، ۱۳۸۲: ۲۷۷)

۳- گرایش‌های غرب گرایانه جمهوری آذربایجان و تهدید امنیت ایران: از نظر ایران امنیت در منطقه باید توسط خود کشورهای منطقه ایجاد شود. بین‌المللی کردن مسائل در منطقه به حل آن کمکی نخواهد کرد. ایران مایل به تنظیم معادلات منطقه‌ای به دست کشورهای منطقه است و حضور و نفوذ قدرت‌ها و ساختارهای فرامنطقه‌ای از جمله غرب را به ویژه در حوزه امنیتی متناسب با واقعیت‌های قفقاز ندانسته و آن را برضد صلح و امنیت منطقه می‌داند. اما نظر مقامات جمهوری آذربایجان، نقطه مقابل نظر مقامات جمهوری اسلامی ایران است به نحوی که باکو امنیت خود را در محور پیوستن به غرب و ساختارهای یوروآتلانتیکی (اروپایی-آمریکایی) به ویژه

ناتو جستجو می‌کند و این در حالی است که ایران در محور پیوستگی منطقه‌ای و دوری از محور آمریکا حرکت می‌کند. بنابراین در این زمینه جمهوری آذربایجان با سمت و سوی حرکت ایران موافق نیست. (امیراحمدیان، ۱۳۸۴: ۷۶)

### نتیجه گیری

در بررسی تحولات سیاست خارجی ایران در دوره معاصر، پرداختن به کیفیت روابط با کشور-های همسایه از اهمیت اساسی برخوردار است در میان کشورهای همسایه حفظ روابط با جمهوری آذربایجان به عنوان کشوری که با فروپاشی شوروری از اهمیت ژئوپولیتیک و ژئو-استراتژیک برخوردار گشت همیشه مورد توجه خاص سیاست سازان و تصمیم گیران دولت ایران بوده است. تا قبل از فروپاشی شوروری محدودیت‌های ناشی از عدم استقلال آذربایجان امکان محدودی را برای توسعه تعاملات دو طرف فراهم می‌کرد، اما استقلال این جمهوری از شوروری زمینه‌های مناسبی را برای بسط روابط با ایران به وجود آورد. ابتدا نقش آفرینی متغیرها و عواملی مانند برخورداری از مشترکات تاریخی و فرهنگی پتانسیل مناسبی برای همکاری‌های اقتصادی به عنوان محرکه‌های گسترش روابط دو طرف قلمداد می‌شد اما از آن هنگام فرایند توسعه روابط دو کشور با موانع و عوامل بازدارنده مهمی مانند تفاوت در ماهیت حکومت‌ها، تداوم اختلافات در مورد رژیم حقوقی دریای خزر و برخورداری از جهت گیری‌های سیاسیت خارجی رو به رو بوده است این مواقع نقش جدی در عدم توسعه حداکثری روابط ایران و آذربایجان داشته‌اند.

به طور کلی با تحلیل وضعیت ژئوپولیتیکی در منطقه و با در نظر گرفتن وجود اشتراکات قومی، دینی، زبانی و فرهنگی و نیز وجود آداب رسوم تاریخی بین مردم جمهوری آذربایجان و ایران می‌توان گفت که جمهوری آذربایجان باید در سیاست خارجی خود برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت ویژه‌ای قائل شود و اصول حسن همجواری و همکاری مفیدی را مد نظر داشته باشد. چرا که تحکیم روابط بین ایران و جمهوری آذربایجان به نفع منافع هر دو کشور است. جمهوری آذربایجان دارای امکانات وسیعی برای توسعه بیش از پیش روابط بین دو کشور است و در سیاست خارجی جمهوری آذربایجان نیز روابط دوستانه با ایران در اولویت قرار دارد و باکو برای این منظور از تمام امکانات خود استفاده خواهد کرد.

ایران که به دنبال منافع اقتصادی، سیاسی و دینی در قفقاز جنوبی است، تلاش می‌کند تا با جمهوری‌های تازه استقلال یافته در قفقاز جنوبی روابط همه جانبه‌ای را برقرار کنند. در این چهارچوب، روابط جمهوری اسلامی ایران با جمهوری آذربایجان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واقع شدن هر دو کشور در مکان جغرافیایی مهم به اهمیت آنها در روابط اقتصادی و تجاری

به عنوان کشورهای ترانزیتی می‌افزاید. هر چند، به دلیل نظام سیاسی و ایدئولوژیک موجود در جمهوری اسلامی ایران و نظام سکولار جمهوری آذربایجان، روابط فرهنگی بین دو کشور در تمام زمینه‌ها نمی‌تواند پیش برود و در چارچوب خاصی توسعه می‌یابد. جمهوری اسلامی ایران، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به بزرگترین دشمن و در واقع بزرگترین بر هم زننده نظم مورد نظر آمریکا در منطقه تبدیل شد. تجدیدنظر طلبی و ویژگی اصلی سالهای ابتدایی انقلاب بود. جمهوری اسلامی به عقیده بسیاری از کارشناسان با حمایت از مبارزان حزب الله و گروه حماس، یک جنگ نیابتی را با رژیم صهیونیستی آغاز کرده است.

ایران که پس از انقلاب دشمن ایدئولوژیک رژیم صهیونیستی محسوب می‌شد در سالهای اخیر، به یک رقیب استراتژیک نیز برای این رژیم تبدیل شده است. شناخت شکاف‌های ظریف اما عمیق در روابط باکو-تهران همراه با پشتیبانی پدانه واشنگتن، تل آویو را آماده بهره برداری از اختلافها کرده است.

روابط اقتصادی تهران-باکو متأثر از روابط سیاسی آن دو فراز و نشیب‌های فراوانی را پشت سر گذارده است. این روابط که اکنون در سطح بالایی دنبال نمی‌شود، این اجازه را به تل آویو داده است تا با صدور تکنولوژی مدرن کشاورزی و نظامی به آذربایجان، علاوه بر تقویت و تحکیم روابط، بر توسعه روابط اقتصادی خویش نیز مبادرت ورزد.

## منابع فارسی

### کتب

- آلیکرو، اولگا (۱۳۸۲)، گسل‌های منازعه در آسیای مرکزی و قفقاز، ترجمه محمود رضا گلشن پژوه و دیگران. تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات ابرار معاصر تهران
- استپانیان، هراچ (۱۳۸۱)، مقدمه‌ای بر پان ترکیسم، تهران، آراکس
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۸۴)، روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذری‌ها به ایران، چاپ اول، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- ..... (۱۳۶۷)، جغرافیای قفقاز، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- دانکوس، کارره (۱۳۷۰)، پایان امپراطوری شوروی، ترجمه عباس آگاهی، چاپ دوم، تهران، نشر فرهنگ اسلامی
- کتاب سبز جمهوری آذربایجان، (۱۳۸۷)، چاپ دوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، تهران
- کرمی، جهانگیر (۱۳۸۳)، سیاستها و اقدامات امنیتی روسیه در خارج نزدیک، کتاب کشورهای مستقل مشترک المنافع، چاپ دوم، تهران، انتشارات ابرار معاصر
- ..... (۱۳۸۸)، ایران و بحران اوستیای جنوبی، مجموعه مقالات شانزدهمین همایش بین‌المللی آسیای مرکزی و قفقاز، چاپ سوم، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی
- کولایی، الهه (۱۳۸۴)، ایران و روسیه، فرصتها، تهدیدها و چالش‌ها، کتاب امنیت بین‌الملل ۲، تهران، انتشارات ابرار معاصر
- لاندو، جیکوب (۱۳۸۲)، پان ترکیسم «یک قرن در آرزوی الحاق گرای» ترجمه حمید احمدی، چاپ دوم تهران، نشر نی

### مقالات

- تویسرکانی، مجتبی (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در آسیای مرکزی در مقایسه با خاورمیانه، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۷، پاییز
- دهقانی فیروز آبادی، سید جلال (۱۳۸۹)، سیاست امنیتی جمهوری اسلامی ایران در قفقاز جنوبی، فصلنامه بین‌المللی ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار
- سید محمدرضا موسوی، فریبرز مولودی (۱۳۹۱)، بررسی موانع راهبردی در روابط ایران و جمهوری آذربایجان، فصلنامه قفقاز، سال سوم، شماره ۹، بهار
- ..... و حسینعلی توتی (۱۳۹۱)، روابط اسرائیل و قفقاز جنوبی و تاثیر آن بر امنیت ملی

- ایران، فصلنامه آران، سال دهم، شماره ۳۱-۳۰، بهار و تابستان  
 -.....(۱۳۹۱)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جمهوری آذربایجان، فصلنامه  
 قفقاز، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان  
 - شیرازی، ابوالحسن (۱۳۸۷)، اصول و ساختار تصمیم گیری در سیاست خارجی جمهوری  
 آذربایجان، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۶۲، تابستان  
 - کولایی، الهه (۱۳۸۹)، جمهوری اسلامی ایران و ژئوپلیتیک قفقاز جنوبی، فصلنامه بین‌المللی  
 ژئوپلیتیک، سال ششم، شماره اول، بهار

### خبرگزاری

- روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۴/۸/۹  
 - روزنامه همشهری، ۱۳۸۹/۵/۱۷

### English Resources

#### Book

- Chorbajian and Others (1994), **Caucasian Knot. The History and Geopolitics of Nagorno – Karabagh**, Zed BOOKS, London

#### Article

- Azerbaijan,(2008), **Independent Islam and the State**, Crisis Group Europe Report, No 191, 25 March

#### Site

- <http://www.ostan-ag.gov.ir/show-news.asp?id=166>